



۱۱۲۲۴۹

۸۷۱۰۸۳۱۴
۸۸۱۲۶



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق

کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری

موضوع:

حقوق معنوی پدید آورنده در آثار ادبی و هنری

استاد راهنما: دکتر هادی وحید

استاد مشاور: دکتر علی صفاری

استاد داور: دکتر میر حسین عابدیان

دانشجو: حمید علیزاده

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۶

شهریور ۸۷

۱۱۳۲۶۹

سپاسگزاری

برخود لازم میدانم که از استاد ارجمند جناب آقای دکتر وحید که در مدت تحقیق در این موضوع از راهنمایی های ارزنده ایشان بهره مند گردیده ام همچنین دکتر صفاری که بعنوان مشاور در این رساله قبول زحمت نمودند؛ تشکر و قدر دانی نمایم.

تقدیم به تمام کسانی که
در راه اعتلای فرهنگ و هنر این مرز و بوم گام بر میدارند

علائم اختصاری:

- قانون ۱۳۴۸.....قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب یازدهم دیماه ۱۳۴۸
- قانون ۱۳۵۲.....قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۱۶
- قانون ۱۳۷۹.....قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴

چکیده

در این رساله به حقوق معنوی پدیدآورنده در آثار ادبی و هنری پرداخته شده است. این دسته از حقوق تشکیل دهنده‌ی رابطه‌ی غیر مالی پدیدآورنده در اثر و ناشی از سه ضرورت اصلی است.

- حفظ حریم خصوصی پدیدآورنده.
- ایجاد یک رابطه‌ی دائم بین پدیدآورنده و اثر.
- تضمین انتقال صحیح مفهوم از ذهن پدیدآورنده به مخاطبین از طریق اثر.

در پی پاسخ به سه پرسش اصلی، نخست چرایی حقوق معنوی با کنکاش در مبانی و پیشینه‌ی این حقوق بررسی گردیده است. اوصاف و اقسام این دسته از حقوق با توجه به مقررات ایران و پاره‌ای از کشورها تصویر به نسبت روشنی از قلمروی این حقوق را در پاسخ به چپستی آن در فصل دوم ارائه می‌نماید و سرانجام چگونگی اعمال و اجرای آن مورد توجه واقع شده است. در این مسیر ابتدا باید دانست صاحب حقوق معنوی در یک اثر ادبی و هنری کیست. آثار بر مبنای افراد دخیل در تهیه و تولید آن تفکیک گردیده و صاحب حقوق معنوی با توجه به مقررات در هریک معرفی گردیده است. در تحقق نقض حقوق معنوی رابطه‌ی سه عنصر در ارتباط با یکدیگر سنجیده گردیده است.

- نوع اثر بر این مبنا که در برخی حقوق معنوی بدیل ماهیت اثر کمرنگ‌تر و در برخی پررنگ‌تر است.
 - اقدام مورد اعتراض که طیفی از نقض آشکار تا نقد، شوخی و مانند آن را در بر می‌گیرد.
 - و سرانجام حسن نیت متهم به نقض که گاهی می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند.
- سپس ضمانت‌های اجرایی حقوق معنوی در دو شاخه‌ی مسؤلیت کیفری و مدنی بررسی شده است. نقض پاره‌ای از حقوق معنوی وفق مقررات موضوعه‌ی ایران جرم تلقی گردیده و مرتکب مستوجب مجازات شناخته شده است. تلاش گردیده تا احصاء به نسبت دقیق و جامعی از این دسته صورت گیرد.
- در بخشهای مربوطه در رابطه با حقوق معنوی در آثار سمعی و بصری، در ترجمه و آثار اقتباسی و در نرم افزارهای رایانه‌ای پیشنهاداتی جهت بازنگری در مقررات ارائه گردیده است.

فهرست اجمالی:

۱	دیباچه
۸	فصل اول: مبانی و مفاهیم
۹	گفتار اول: تعریف
۱۳	گفتار دوم: پیشینه‌ی حقوق معنوی
۱۴	بند اول: دوران حمایت اخلاقی
۱۵	بند دوم: دوران تفوق عقاید دینی
۱۷	بند سوم: دوران حمایت قانونی
۱۸	گفتار سوم: مبانی نظری و مشروعیت حقوق معنوی پدیدآورنده
۱۹	بند اول: مبانی نظری
۲۹	بند دوم: مشروعیت
۳۹	فصل دوم: قلمروی حقوق معنوی
۴۰	گفتار اول: اوصاف حقوق معنوی پدیدآورنده
۴۱	بند اول: غیر قابل انتقال بودن
۵۳	بند دوم: محدود نبودن به زمان
۵۴	بند سوم: محدود نبودن به مکان
۵۶	گفتار دوم: انواع حقوق معنوی پدیدآورنده
۵۶	بند اول: حق انتشار
۶۱	بند دوم: حق انتساب
۶۵	بند سوم: حق حرمت اثر
۷۰	بند چهارم: حق عدول
۷۲	بند پنجم: حق دسترسی به اثر
۷۳	بند ششم: جوایز
۷۵	فصل سوم: صاحب حقوق معنوی، نقض و طرق جبرانی
۷۶	گفتار اول: صاحب حقوق معنوی
۷۷	بند اول: آثار انفرادی
۷۷	بند دوم: آثار مشترک
۸۱	بند سوم: آثار جمعی

بند چهارم: آثار سفارشی	۸۵
بند پنجم: آثار گمنام یا با نام مستعار	۸۷
بند ششم: آثار ترکیبی	۸۸
بند هفتم: نرم افزارهای رایانه ای	۸۸
گفتار دوم: نقض حقوق معنوی	۹۰
بند اول: ملاحظات شکلی	۹۱
بند دوم: ملاحظات ماهوی	۹۳
گفتار سوم: طرق جبرانی	۱۰۳
بند اول: ضمانت اجرای کیفری	۱۰۳
بند دوم: مسئولیت مدنی	۱۱۳
نتیجه	۱۲۱

دیباچه

الف) طرح موضوع

«جناب آقای ضرغامی، ریاست محترم سازمان صدا و سیما، به طور قطع مسبوق هستید که جمعه و شنبه گذشته (برابر با هفتم و هشتم تیرماه ۸۷) فیلم سینمایی اوینار ساخته اینجانب از شبکه سه سیما پخش گردید. اما شاید به اطلاع جنابعالی نرسانده باشند که این فیلم سینمایی ۹۰ دقیقه‌ای در این پخش تلویزیونی با حذفی ۲۴ دقیقه‌ای مواجه بوده و بینندگان شما تنها ۶۶ دقیقه از آن را دیده‌اند. آیا به نظر شما این فاجعه بار نیست؟

برادر بزرگوار، جناب آقای ضرغامی، اولین سؤال اینجاست که فیلمی که از نظر وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران بلاشکال تشخیص داده شده و بدون حذف حتی یک فریم پروانه نمایش گرفته و در سینماهای کل کشور به نمایش درآمده و بعدتر چندبار بدون حذف صحنه‌ی و سکانسی از همین رسانه ملی پخش گردیده، چگونه است که دچار چنین حذف فاحشی می‌شود. می‌فرمایید مصالح مملکتی و سیاست داخلی و خارجی امروز ایجاب می‌کند؛ می‌پرسم آیا غمض مسائل در آن زمان که صدام در قید حیات بود و بر مسند بود و جهانی تایید او می‌کردند بیشتر و حادث‌تر بود یا اکنون که او را دست از جهان کوتاه است و همه آن دوستان و مویدان، هم قسم به لعن و دم او هستند؟ و سوال دوم اینکه اگر فیلمی مثل اوینار از نقطه نظر کارگزاران فرهنگی شما نیازمند حذف ۲۴ دقیقه‌ی است، در این صورت اصولاً چه نیازی به پخش چنین فیلمی هست؟ و اگر گروه کارگزاران را سخن این است که ما را تنها همان ۶۶ دقیقه باقیمانده مسند بسند است و بس؛ چه دلایلی در توضیح این عمل سبعانه فرهنگی اندیشیده شده است؟

چه کسی به آنها این حق را داده است که در قامت یک اثر، مرتکب چنین حرکت ردیالانه‌ی شوند؟ و با بیراهه رفتن‌هایی کودکانه نظیر پخش آگهی و میان پرده ورزشی در مفصل و در محل دست بردن‌ها به فیلم، آیا واقعاً گمان می‌کنند تحمیق بیننده و بازداشتن او از درک کوتاه شدگی و آشفته سازی فیلم به همین سادگی حاصل شده است؟

آیا تنها و صرفاً پرداخت چند میلیون تومان بابت حق پخش به تهیه کننده، کلیت یک اثر را همراه با همه حقوق معنوی آن به سیمای جمهوری اسلامی ایران منتقل می‌کند؟

برادر ارجمند، حذف یک نما هم حتی می‌تواند در قامت یک اثر رخنه ایجاد کند، چه برسد به این سلاخی‌های فوق تصور. کارگزاران فرهنگی شما در توهینی کاملاً مستقیم و علنی و با عرض معذرت نابخردانه به سازنده اثر، با دست یازیدن‌هایی از این دست، شعور بیننده را هم حتی به همان شدت و حدت مورد عنایات قرار داده و نواخته‌اند. مقرض به داستان شبکه سه خلاقیت در اوینار را تا بدانجا رسانده‌اند که علاوه بر حذفیات، سکانس‌هایی را دوباره کرده‌اند و پاره‌ی را در جایی و بخشی را در جای دیگر در آفرینش دوباره اثر - به زعم خود - به کار گرفته‌اند.

حتی سکانس‌هایی را جابه جا کرده‌اند؛ یعنی از جایی در فیلم به جایی دیگر برده‌اند. موسیقی فیلم را برداشته‌اند و موسیقی دیگری را جایگزین آن کرده‌اند. جناب آقای ضرغامی، باور بفرمایید خریدن یک اثر فرهنگی با ریال و تومان و حتی دلار و یورو، در هیچ کجای دنیا خریدار را مالک مطلق اثر نمی‌کند. حقوق معنوی یک اثر با خریدن و پرداختن قابل خدشه نمی‌شود؛ یعنی نباید بشود. مردم آگاهند؛ حتی اگر دانای فنون خلق اثر نباشند. از طریق رجوع به غریزه خود این کم فروشی‌ها و اهانت‌ها

را به کمال درمی‌یابند و احساس می‌کنند. ریاست محترم صدا و سیما، درست است که ما از مراکز دواپر دور هستیم اما دستی بر آتش داریم و می‌دانیم این اتفاقات ناگوار که بر سر یک اثر آوار می‌شود - آن گونه که کارگزاران و مدیران فرهنگی رده‌های پایین‌تر عنوان می‌کنند - همگی به سبب دستوراتی از بالا نیست؛ و این میان غم میز و غم نان و غم سفرهای ماموریتی و ارتقای خانه و خودرو و خود به رخ کشیدن‌ها و غم موقعیت‌های شغلی بالاتر هم بسیار بسیار دخیل است. اما بفرمایید من هنرمند را راهکار چیست که در میانه این تلاطمات بی‌ربط و بی‌ارتباط ایستاده‌ام به خلق اثری که صاف باشد و پالوده باشد و سر و گردنی بلندتر داشته باشد و یک سویه ننگرد و اسلامیت و ملیت و انسانیت مرا به این سو و آن سو نکشاند و بر مدار حقیقی خود نگاه دارد؟

و تکمله آخر، در باب همین مجموعه هفده قسمتی شیخ بهایی ساخته شده طابق النعل بالنعل بر اساس فیلمنامه بارها خوانده شده پالایش شده از صافی‌ها گذشته تصویب شده شش سال زمان برده، که امروز مواجهه است با ۱۷۳ مورد از ایرادات و اشکالات کاملاً سلیقه‌ی همین کارگزاران مصلحت‌اندیش با غم‌هایی از آن دست که شرح‌شان رفت. می‌گویند حلاج را که می‌خواستند بکشند ادله کافی و محکمه پسند نمی‌یافتند، به ناچار روی به جنید آوردند و او خط نوشت بر ظاهر امر کشتنی باشد، باطن را خدای داد. وقتی کارگزاران محب‌المیز و المقام حتی توافق علنی و رسمی و حضوری با ریاست سازمان را هم در خصوص این مجموعه واقعی نمی‌نهند، فردای پخش آن کاملاً روشن است و دیگر چه باید گفت جز آنکه ابیاتی بیاورم از آن سفرکرده عزیز قیصر امین پور؛ که والسلام، باقی بقایتان...

چو گلدان خالی لب پنجره/ پر از خاطرات ترک خورده‌ایم

گواهی بخواهید اینک گواه/ همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم

دلی سربند و سری سربه زیر/ ازین دست عمری به سر برده‌ایم^۱

آنچه خواندیم، نامه سرگشاده شهرام اسدی کارگردان فیلم «اوینار» و سریال تلویزیونی «شیخ بهایی» است خطاب به مدیرعامل سازمان صدا و سیما در اعتراض به نحوه پخش فیلم و سریالش از شبکه‌ی سوم سراسری. برآستی چه راهکاری برای هنرمندان اندیشیده شده است تا آثار آنان از تعرضاتی اینچنین مصون بماند؟ آیا حقوق مادی به تنهایی کفایت می‌کند؟ آیا حقوق می‌تواند نسبت به تاخت و تاز به حیثیت و آبروی فرد که بزرگترین سرمایه‌ی هر انسانی است؛ بی‌توجه باشد؟ اگر اینگونه نیست ابزار حمایتی چیست و قلمروی آن تا کجاست؟ چرا پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری حمایت‌هایی علاوه بر آنچه بطور عام در برابر توهین و افترا و نظایر آن در دسترس است را می‌طلبند؟ سؤالات بسیاری در این رابطه قابل طرح است که پاسخ به آن در قلمروی حقوق معنوی پدیدآورنده امکانپذیر است.

اولین بار که بطور جدی موضوع حقوق معنوی پدیدآورنده توجه مرا به خود معطوف کرد، رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری بود که یکی از احزاب بخشی از شعر سیمین بهبهانی را بعنوان شعار تبلیغاتی خود برگزیده بود. «دوباره میسازمت وطن.» استفاده وسیع از این شعر در بیلبوردها و تبلیغات حزب مربوطه این فکر را بر می‌انگیخت که آیا سراینده‌ی این شعر با حزب و کاندیدای آن همسویی دارد؟ اگر همسویی ندارد چگونه می‌تواند از بهره‌برداری

تبلیغاتی از شعر خود به نفع یک کاندیدای خاص جلوگیری کند؟ واضح بود که در این خصوص هیچگونه بهره برداری مادی متصور نبود و لذا استناد به حقوق مادی پدیدآورنده نمی‌توانست نتیجه دلخواه را حاصل گردد.

ماهیت انحصاری و دولتی صدا و سیما در ایران نیز سؤالات بیشماری را در زمینه حقوق اصحاب هنر مطرح می‌سازد. از یکسو صدا و سیما بعنوان یک کارفرمای بزرگ در عرصه آثار هنری ظاهر می‌گردد که بسیاری از کارهای هنری با سرمایه این سازمان تولید می‌گردد. فعالین بیشماری نیز هستند که اگرچه با سرمایه و ابتکار خود به خلق آثار هنری می‌پردازند، با اینحال برای یافتن مخاطب و معرفی کارهای خود مجالی بهتر از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی سازمان مذکور نمی‌یابند.

اینجاست که این سؤال به جد خودنمایی می‌کند که آیا قرارداد به تنهایی می‌تواند موازنه‌ای منصفانه بین پدیدآورنده و این کارفرمای بزرگ بوجود آورد؟ قراردادی که در یکسوی آن هنرمندی است که یا باید کلیه شرایط طرف مقابل را بپذیرد یا بطور کامل از استفاده از این رسانه نیرومند در جهت ارتباط با مخاطبین خود صرف نظر کند.

تاثیرگذاری هنرمندان بر جریان‌های سیاسی و اجتماعی، آنها را آماج هدف گروه‌هایی قرار می‌دهد که از این نمد قصد ابتیاع کلاهی برای خویش دارند. بسیاری که با تحریف و دگرگون جلوه دادن سخن و اثر هنرمند برآند که همسویی وی را با مرام و مسلک خویش به اثبات رسانند و در این بین هنرمند مانند هر فرد دیگر حق دارد خود باشد نه کس دیگر. حق دارد آنطور که نیست معرفی نگردد. شخصیت، طرز تفکر و نگرش او دگرگون جلوه داده نشود و به حریم خصوصی وی تجاوز نگردد.

حقوق معنوی اِبراری است که پدیدآورنده را قادر می‌سازد تا حتی پس از انتقال حقوق مادی اثر، کنترل خود را بر آن حفظ کند. شایع‌ترین توجیه در رابطه با حقوق معنوی این است که پدیدآورنده بخشی از شخصیت خود را در اثر برجای می‌گذارد. خواننده یا مخاطب یک اثر هنری، از طریق اثر با شخصیت پدیدآورنده ارتباط برقرار می‌کند؛ در مورد او قضاوت می‌کند؛ پیش فرض‌هایی نسبت به پدیدآورنده پیدا می‌کند و حمایت از شخصیت پدیدآورنده بعنوان یک انسان ایجاب می‌کند حقوق مانع از آن گردد که دیگران اثر را دستکاری کرده و دگرگون جلوه دهند. این حمایت‌ها نه استثنایی است و نه خلاف قاعده. شخصیت فرد فرد انسانها محترم است و مورد حمایت. حمایت گاه عرفی و اخلاقی و دینی است، آنچنانکه در دروغ و غیبت و تهمت و گاه قانونی مانند توهین، افترا و قذف.

آنچه نگاهی خاص به پدیدآورندگان را در این خصوص ایجاب می‌کند، ناشی از ویژگی‌هایی است که حقوق معنوی پدیدآورنده را در این بین متمایز می‌سازد.

۱) وسیله‌ی تعرض به شخصیت پدیدآورنده، اثر اوست. پدیدآورنده فردی است که با آفرینش اثر هنری در خدمت جامعه است. حال اگر طبیعت این شغل و محصول آن بگونه‌ای است که پدیدآورنده را در معرض آسیب‌های روحی و روانی قرار می‌دهد؛ جامعه موظف است تا تدابیر ویژه برای برقراری امنیت روانی این گروه بیاندیشد.

۲) مخاطب یک اثر هنری ممکن است هیچگاه با پدیدآورنده‌ی آن روبرو نگردد و از اینرو اصلاح تصویر بوجود آمده در ذهن او بوسیله‌ی اثر، بعنوان تنها دریچه به شخصیت پدیدآورنده میسر نخواهد گردید در حالیکه در روابط سایر اشخاص، عناصری که ذهنیت آنان را از یکدیگر شکل می‌دهد انحصار به یک یا چند مورد ندارد.

۳) شهرت اگرچه وجه مشترک اقشار مختلفی از جامعه از جمله ورزشکاران، سیاستمداران و... است؛ در ارتباط با عوامل پیش گفته، پدیدآورندگان را گاه در وضعیتی قرار می‌دهد که بر زندگی آنها تاثیر سوء دارد چنانکه نامه‌های خصوصی فلان شاعر بدلیل کنجکاوی و اقبال عمومی در دسترس سایرین قرار گرفته و منتشر می‌گردد.

ب) سؤالات تحقیق: بنابر آنچه گفته شد؛ این تحقیق برای پاسخ به پرسشهای ذیل آغاز گردید.

- ۱- آیا خریدار یک اثر هنری با پرداخت حقوق مادی پدیدآورنده مجاز به هرگونه تصرف در مال خویش است؟
- ۲- حقوق معنوی چیست و چه قلمرویی را در بر می‌گیرد؟
- ۳- چرا باید حقوق معنوی وجود داشته باشد؟
- ۴- آیا پدیدآورنده می‌تواند از حقوق معنوی خود صرفنظر کند؟
- ۵- در صورت تعارض حقوق مادی و معنوی کدامیک برتری می‌یابد؟
- ۶- آیا حقوق معنوی قابلیت این را دارد که به موازات حقوق مالی و بعنوان حمایتی مضاعف از این حقوق بکار رود؟
- ۷- حامیان قابل اعراض و انتقال بودن حقوق معنوی و مخالفین آنان از چه استدلالاتی بهره می‌گیرند و نظر کدامیک برتری دارد؟
- ۸- حقوق معنوی به ارث می‌رسد یا خیر؟
- ۹- آیا قرارداد می‌تواند موازنه‌ای منصفانه بین پدیدآورنده و خریدار یک اثر هنری ایجاد کند؟ اگر پاسخ مثبت است؛ حساسیت‌ها در ارتباط با انتقال حقوق معنوی برای چیست و اگر منفی است؛ چرا قراردادهای مربوط به انتقال حقوق مالی چنین واکنشهایی را بر نمی‌انگیزد؟

ج) فرضیات تحقیق: در پاسخ به پرسشهای فوق، پاسخهایی فرضی وجود داشت

- خریدار یک اثر هنری حتی با رعایت کلیه حقوق مالی پدیدآورنده، نمی‌تواند تصرفاتی مغایر با حقوق معنوی پدیدآورنده در اثر کند.
- حقوق معنوی حقوق غیرمالی پدیدآورنده در یک اثر است. این حقوق رابطه‌ی پدیدآورنده را با اثر حفظ می‌کند، حریم خصوصی او را در امان می‌دارد و رابطه‌ی تضمین شده‌ی او را بین پدیدآورنده و مخاطبین او از طریق اثر ایجاد می‌کند.
- پدیدآورنده فردی است در خدمت جامعه و چنانچه کیفیت شغل و حرفه‌ی او، وی را در معرض مخاطراتی قرار می‌دهد؛ جامعه باید موجبات مصونیت او را فراهم کند.
- صرف نظر کردن از حقوق معنوی ممکن نیست.
- در تعارض حقوق مادی و معنوی اثر، قسم اخیر بر حقوق مادی حاکم می‌گردد.
- این امکان وجود دارد که از حقوق معنوی برای حمایت از حقوق مالی استفاده شود.
- این دو گروه اختلافشان از اختلاف در مبنا ناشی می‌گردد. آنان که تابع تئوریهای سودمحورند، قائل به قابلیت اعراض و انتقال هستند و در سوی دیگر مدافعان تئوری شخصیت با اعراض و انتقال حقوق معنوی مخالفت می‌کنند.
- حقوق معنوی به ارث نمی‌رسد.
- ارتباط حقوق معنوی با شخصیت باعث می‌شود که آزادی اراده در خصوص قراردادهای مربوط به حقوق معنوی محدود گردد. هرچند نابرابری بین پدیدآورنده و بنگاههای بزرگ هنری و تجاری در رابطه با تخمین ارزش واقعی اثر و مانند آن وجود دارد؛ ولی این نابرابری در جایکه کرامت انسانی و ارزشهایی هم‌شان آن در میان است، از نظر جامعه قابل اغماض نیست.

د) هدف تحقیق: تحقیق در زمینه‌ی حقوق معنوی پدیدآورنده در کلاس کلیات حقوق مالکیت فکری، این انگیزه را تقویت کرد که پایان‌نامه خود را به این بحث اختصاص دهم. در این کار هدفی که قویاً دنبال می‌گردید؛ ارائه‌ی یک راهنما به هنرمندانی بود که از تحریف، سانسور و سایر تعرضات به حقوق معنوی خود ناراضی و گله‌مندند. اگرچه می‌توان در پایان کار اعتراف کرد آنچه مقصود بود به دلایل چندی که به برخی اشاره خواهد شد؛ میسر نگردید ولی تلاش صورت گرفته بی‌ثمر واقع نگردیده و حداقل می‌تواند در وقوف به آنچه در جهان امروز بعنوان حقوق معنوی هنرمند شناخته می‌شود و جایگاه حقوق ایران و ظرفیت‌ها و کاستی‌های موجود در آن مفید واقع گردد. باشد که

پدیدآورندگان با چنین شناخت و بینشی از حقوق خود، دستگاه‌های مدیریتی و تقنینی را مجاب به وضع قوانین مناسب نمایند.

ه) دشواریهای تحقیق:

اول) قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان تنها اشاره‌ای به حقوق معنوی داشته است. آنچه در ادبیات حقوقی کشور در ارتباط با قلمرو و اوصاف آن بیان گردیده است؛ بیش از اینکه مبتنی بر قوانین داخلی و رویه قضایی باشد؛ بر حقوق خارجی متکی است. قوانین مؤخرتر از جمله قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای نیز گوی اجمال از سلف خود ربوده‌اند.

دوم) رویه قضایی حتی بطور عمومی‌تر و در زمینه‌ی حقوق پدیدآورندگان، محدود و دسترسی بدانها بدلیل عدم وجود شعب تخصصی، مشکل و در حد غیر ممکن است. در مهجور بودن این شاخه همین بس که قاضی یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر استان در پاسخ به این سؤال که آیا شعبه‌ی تخصصی کپی رایط در دادگاه تجدیدنظر وجود دارد؛ از وجود کپی رایط در حقوق ایران اظهار بی‌اطلاعی و نسبت به قابل اجرا بودن قانون ۱۳۴۸ ابراز تعجب نمود.

و) سابقه‌ی تحقیق:

در حدود ده سال قبل در دانشگاه امام صادق (ع) صمد حضرتی به راهنمایی اسدالله امامی برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی حقوق خصوصی، پایان‌نامه‌ای را با عنوان «حق معنوی مؤلف در حقوق ایران و اسلام و کنوانسیونهای بین‌المللی» تألیف نموده‌اند که به اقتضای تاریخ تحقیق و رشته‌ی تحصیلی مؤلف، مباحث عمده‌ای از آن به طرح موضوع مالکیت‌های فکری و اقسام و شاخه‌های آن اختصاص یافته است و همانند ده‌ها مقاله‌ی فارسی و حتی انگلیسی مورد رجوع، از حقوق معنوی به توضیح مختصری در ارتباط با اوصاف و اقسام این حقوق بسنده کرده که به هیچ وجه پاسخگوی سؤالات طرح گردیده نمی‌باشد.

ز) تقسیم مطالب:

در این تحقیق با تکیه بر مقررات و سوابق دو نظام عمده‌ی حقوقی معاصر - کامن لا و رومی ژرمنی - تلاش گردیده است از تجارب سایر کشورها در حقوق معنوی پدیدآورنده استفاده گردد. در این مسیر پس از ارائه‌ی تعریفی از حقوق معنوی برای روشن شدن دایره‌ی بحث، در فصل اول چرایی حقوق معنوی پدیدآورنده بررسی گردیده است.

سابقه و تاریخچه‌ای از بحث در اعصار گذشته، دلایل ارائه گردیده در لزوم این نوع حمایت‌ها و انطباق آن با مقررات اسلامی، مباحث طرح گردیده در فصل نخست است.

در فصل دوم و با هدف بررسی چپستی حقوق معنوی، اوصاف و اقسام حقوق مزبور مورد توجه قرار گرفته است. فصل پایانی برای فاصله گرفتن از یک بحث صرف تئوریک، بگونه‌ای کاربردی‌تر به حقوق معنوی نگریسته است و در این راستا نقض حقوق معنوی را بررسی نموده است. ارتباط منطقی این فصل با فصول گذشته در این است که گفتار نخست، صاحب حقوق معنوی را در آثار مختلف معرفی می‌کند. سپس به ملاحظات شکلی و ماهوی در نقض حقوق معنوی توجه گردیده و نهایتاً ضمانت‌های اجرایی حقوق معنوی بررسی شده است.

ح) روش تحقیق:

در پایان قابل ذکر است که روش کار در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است و از نسخ مقالات و مجلات موجود در اینترنت نیز استفاده گردیده است.

فصل اول:

مبانی و مفاهیم

قبل از هر چیز، برای روشن شدن حوزه‌ی بحث، شناختی اجمالی از حقوق معنوی پدیدآورنده و جایگاه و رابطه‌ی آن در میان سایر مفاهیم حقوقی بخصوص مفاهیم مشابه لازم است. گذشته از تعیین قلمروی تحقیق، این ضرورت از آنجا ناشی می‌گردد که اصطلاحات در رشته مالکیت فکری هنوز آنچنان که در رشته‌های قدیمی‌تر حقوقی است؛ تعریف نگردیده و اجماع و اتفاق بر آنها حداقل در حوزه حقوق داخلی شکل نگرفته است.

از همین دیدگاه، پیرنگ شدن حساسیت‌ها و اعتراضات نسبت به نقض حقوق معنوی و ارتباط چنین جریان‌هایی با فضای کلی اعتقادی و فرهنگی، همراه با سیر تاریخی تکوین این دسته از حقوق از یکسو و قوف بر مفاهیم مذکور را آسان نموده و از جهتی دیگر، نحوه‌ی استدلالات مخالفین و موافقین و دلایل چنین اعتراضاتی می‌تواند در شناخت مبنای حقوق معنوی راهگشا باشد.

گفتار اول: تعریف

پیش از هر مطلبی باید به نکته‌ای که به واژه شناسی (ترمینولوژی) بحث راجع به حقوق معنوی مربوط می‌شود اشاره کرد. تعبیر حقوق معنوی گاهی به معنایی به کار می‌رود که بر حقوق مالکیت‌های فکری دلالت دارد (معنای عام) و گاهی به معنایی استعمال می‌شود که در برابر حقوق مادی ناشی از حقوق مالکیت فکری قرار می‌گیرد (معنای خاص). این اشتراک لفظی که می‌تواند منشأ سوء تفاهم شود نیاز به توضیح دارد.

برخی از مؤلفان حقوقی در تقسیم‌بندی حقوق، حقوق معنوی را به عنوان شاخه‌ای متمایز در کنار حقوق مالی و حقوق غیر مالی قرار داده‌اند و در آن از حقوقی بحث می‌کنند که بدلیل ماهیت ویژه‌ای که از آن برخوردارند نه می‌توان آنها را در زمره حقوق مالی از قبیل مالکیت، انتفاع، ارتفاع و امثالهم قرار داد و نه در کنار حقوق غیر مالی مانند حق حضانت و ابوت و... در واقع در این تقسیم‌بندی حقوق معنوی در بر گیرنده حقوقی است که هم جنبه مالی و هم جنبه غیر مالی دارند و عمدتاً آنچه تحت عنوان مالکیت فکری مورد مطالعه قرار می‌گیرد در این شاخه جای می‌گیرد. این شیوه مورد انتقاد واقع گردیده و اصطلاح حقوق فکری یا مالکیت‌های فکری را مناسب‌تر و منطبق‌تر بر ماهیت حقوق مورد بحث دانسته‌اند. زیرا اولاً به اصطلاح انگلیسی و فرانسوی آن نزدیکتر است و ثانیاً حقوق موردنظر به حمایت از تراوشات فکری می‌پردازد.^۱

ایراد دیگری که به طرفداران اصطلاح مالکیت معنوی وارد گردیده این است که این دسته از حقوق مشتمل بر دو حق متمایز است. به عبارتی آفریننده‌ی یک اثر فکری دارای حق مالی و حق معنوی است که این امر باعث

۱- صفایی، سید حسین؛ مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان، در: (مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی)؛ تهران، میزان، چاپ اول ۱۳۷۵، صفحه ۶۸.

اختلاط دو اصطلاح مالکیت معنوی در معنای عام خود و حق معنوی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های حقوق ناشی از مالکیت فکری می‌گردد.

بر خلاف آنچه ذکر گردید؛ اصطلاح مالکیت معنوی به نظر واژه‌ای مناسب‌تر برای این حقوق است. چرا که از جامعیت بیشتری برخوردار است و می‌تواند در برگیرنده کلیه حقوقی باشد که در این شاخه جای گرفته است. شاید در گذشته‌ای نه چندان دور، موضوع این رشته حمایت از خلاقیت‌های فکری بوده است ولی امروز با مواردی روبرو هستیم که با تعریف سابق قابل توجیه نیست. همچنین این تردید در خصوص برخی شاخه‌های قدیمی‌تر نیز مطرح است. آیا در حمایت از شهرت تجارتي بدنبال خلاقیت فکری هستیم؟ آیا شرط حمایت از نام یا علامت تجاری خلاقانه و ابتکاری بودن آن است؟

پاسخ به این سؤالات ما را به این امر رهنمون می‌سازد که وجه مشترک این حقوق، مالکیتی است متفاوت از مالکیت سنتی که موضوع آن شیء مادی و ملموس نیست و از این لحاظ مالکیت معنوی تطابق بیشتری با این مفهوم دارد.

آنچه ما بر آنیم تا زیر عنوان حقوق معنوی پدیدآورنده‌ی آثار ادبی و هنری مورد بررسی قرار دهیم در واقع حقوق غیر مالی پدیدآورنده می‌باشد که در مقابل حقوق مالی وی قرار می‌گیرد. از این حقوق که هدف آن حمایت از شخصیت پدیدآورنده می‌باشد و حق پدیدآورنده را در میان سایر حقوق ممتاز می‌گرداند؛ آنچنان که ذکر گردید با عباراتی چون حق غیر مالی، حقوق مربوط به شخصیت یا حق معنوی سخن گفته‌اند که در پاسخ به ایراد اشتراک لفظی ایندسته از حقوق با عنوان عام مالکیت‌های معنوی، می‌توان از آن به حقوق اخلاقی نیز تعبیر کرد. با اینحال فارغ از مباحث یاد شده، با توجه به ادبیات حقوقی رایج و پرهیز از مناقشه در لفظ و با لحاظ عنوان مصوب برای این رساله که «حقوق معنوی پدیدآورنده در آثار ادبی و هنری» میباشد، از حقوق مالکیت فکری در معنای عام و حقوق معنوی در برابر حقوق مادی استفاده می‌گردد.

«حقوق مربوط به شخصیت که در حقوق مدنی مورد بحث واقع می‌شود؛ حقوقی است که به هر انسانی قطع نظر از وابستگی او به گروه اجتماعی خاص تعلق دارد. حقوقی که بیشتر از شخص انسان حمایت می‌کند تا منافع مادی او. حقوق مربوط به شخصیت، برخلاف حقوق مالی (مانند مالکیت) غیر قابل انفکاک از شخص و شخصیت انسان است. به تعریف ژان دابن حقوق مربوط به شخصیت، حقوقی است که موضوع آنها عناصر تشکیل دهنده شخصیت است»^۱.

قانونگذار توسط قواعد آمره از شخصیت انسان و حقوق مربوط به آن حمایت کرده است. این حمایت به حمایت از تمامیت جسمی انسان و حمایت از تمامیت اخلاقی و معنوی او معطوف می‌گردد. در ارتباط با شق نخست، تعرض

۱- صفایی، سید حسین و سید مرتضی قاسم زاده؛ حقوق مدنی، اشخاص و محجورین؛ چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۷۸، صفحه ۱۵.

به تمامیت جسمانی فرد ولو با رضایت وی، جرم و مستوجب مجازات شناخته شده است. (ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی) وارد ساختن هرگونه جراحت و آسیب بر فرد دیگر حسب مورد می‌تواند خاطی را در معرض قصاص، دیه و حبس قرار دهد.

همچنین عناوین مجرمانه‌ای چون توهین (ماده ۶۰۸)، افترا (مواد ۶۹۷ و ۶۹۹) هجو (ماده ۷۰۰) و کذب (مواد ۱۳۹ به بعد) در قانون مجازات اسلامی در جهت صیانت از شخصیت اخلاقی افراد وضع گردیده است.

قانون اساسی در اصول چندی به تصریح حقوق شخصیت و تضمین آن پرداخته است. مصونیت جان، حیثیت، حقوق، مسکن و شغل افراد از تعرض (اصول ۲۲ و ۳۹)، ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل ۲۳)، ممنوعیت استراق سمع (اصل ۲۵)، حق انتخاب شغل دلخواه (اصل ۲۸)، حق انتخاب محل سکونت (اصل ۳۳)، آزادی (اصول ۳۲، ۳۶ و ۳۷)، حقوق مربوط به شخصیت را می‌توان در پنج گروه متمایز تقسیم بندی کرد.

الف) حقوق مربوط به شخصیت عمومی: آزادی فکر و بیان، رفت و آمد، حق رای و آزادی انتخاب شغل.

ب) حقوق مربوط به شخصیت مدنی: مصونیت نام، تصویر و اوصاف.

ج) حقوق مربوط به شخصیت اخلاقی: مصونیت آبرو، شرف و حیثیت.

د) حقوق مربوط به شخصیت فکری: حقوق پدیدآورنده در خصوص اجازه یا عدم اجازه نشر و...

ه) حق تمتع از زندگی: مصونیت اسرار، مکالمات و مراسلات.

آنچه در این رساله موضوع و محور بحث را تشکیل می‌دهد؛ بند (د) یا شاخه‌ای از حقوق مربوط به شخصیت یا حقوق غیر مالی است که اختصاص به پدیدآورندگان آثار فکری دارد که عبارتست از حقوقی غیر مالی که به یک فرد به واسطه‌ی آفرینش یک اثر فکری و بطور خاص یک اثر ادبی و هنری تعلق می‌گیرد.

ماده ۳ قانون ۱۳۴۸ مقرر می‌دارد: حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست و ماده ۴ اضافه می‌کند حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است. همان طور که ملاحظه می‌گردد، قانون فوق‌الذکر صراحتاً از حقوق معنوی نام می‌برد با این حال تعریفی از حقوق مزبور ارائه نمی‌دهد.

تنها تعریف قانونی از حقوق معنوی، تعریفی است که ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون ۱۳۷۹ ارائه می‌دهد. این ماده بیان می‌دارد: «حقوق معنوی موضوع قانون بدون این که منحصر به این تعبیر باشد عبارت است از حق انتساب نرم افزار به پدیدآورنده آن و محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است.»

آنچنان که خواندیم به نظر می‌رسد ارائه دهندگان این تعریف خود به ناقص بودن آن اعتراف دارند کما این که اگر عبارت «بدون این که منحصر به این تعبیر باشد» را در تعریف خود نمی‌آوردند مشکل جدی در شناسایی سایر حقوق معنوی فراهم می‌ساختند زیرا آنچنان که خواهیم دید؛ حق انتساب تنها یکی از مصادیق حقوق معنوی است.

به هر ترتیب تلاش صورت گرفته در ارائه این تعریف نتیجه‌ای در بر نداشته زیرا آنچه صورت گرفته بیان اوصاف حق معنوی در مقایسه با حق مادی است که پیش از این نیز در قانون ۱۳۴۸ صورت گرفته بود و ارائه تنها یکی از مصادیق حقوق معنوی که شاید راه را برای تفاسیر مشکل‌ساز نیز گشوده باشد.

در کنوانسیون برن و طرح قانون حمایت از مالکیت ادبی نیز تنها به بیان مصادیق حقوق معنوی پرداخته شده و تعریفی در این خصوص ارائه نگردیده است.

دکتر کاتوزیان در کتاب اموال و مالکیت، حقوق معنوی را این گونه تعریف می‌کنند: «حق غیر مالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق روابط غیر مالی اشخاص است. ارزش داد و ستد را ندارد و قابل ارزیابی به پول و مبادله با آن نیست؛ مانند حق زوجیت، حق ابوت و بنوت، حق ولایت یا حقی که پدیدآورنده اثر ادبی یا هنری در انتشار آن دارد... و امثال اینها.»

دکتر صفایی حقوق معنوی را حقوق و امتیازات غیر مالی مربوط به شخصیت پدیدآورنده و برای حمایت از آن تعریف می‌کند.^۱

دکتر کیوان آذری در تعریف حقوق معنوی می‌گوید: «مجموعه حقوقی است که صرفاً متکی به شخصیت صاحب حق بوده و بر فعالیت‌های فکری او ناظر است.»^۲

«حق معنوی، حقی است غیرمادی که قانونگذار به پدیدآورنده یک اثر فکری و هنری اعطا می‌نماید. این حق از ثبات، دوام، پیوستگی و همیشگی با شخصیت پدیدآورنده برخوردار است و برای او مزیت‌هایی را به همراه می‌آورد.»^۳

آنچه در خصوص حقوق معنوی پدید آورنده حایز اهمیت است این است که وجود آثار مالی برای حقوق معنوی، تفکیک کامل و مطلق بین حقوق مالی و معنوی را بدور از واقعیت می‌نماید. آنچنان که تعرض به هریک از حقوق مذکور بر دیگری بی تاثیر نخواهد بود. بطور مثال ناشری که بدون اطلاع پدیدآورنده کتاب را در تیراژی بالاتر از آنچه مورد توافق بوده است به بازار عرضه می‌کند و از این راه نفع مادی نامشروعی را نصیب خود می‌سازد به حق معنوی پدیدآورنده در خصوص تصمیم گیری درباره نشر یا عدم نشر که در بر گیرنده‌ی تیراژ و محل نشر می‌باشد نیز تجاوز کرده است.

۱ - صفایی، سید حسین؛ شرح و تفسیر قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ششم، ۱۳۵۰، صفحه ۱۲۲.

۲ - آذری، کیوان؛ حقوق معنوی پدید آورنده اثر؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۲، ۱۳۶۰، صفحه ۳.

۳ - نقیعی، ابوالقاسم؛ «جبران خسارت به حق معنوی مبانی فقهی و حقوقی»، فصلنامه‌ی کتابهای اسلامی، سال دوم، شماره‌ی نهم، تابستان ۱۳۸۱.